

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

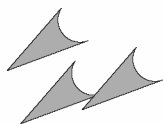
ما جزو کدامین گروهیم؟

هر که می‌پرسید: برای چه به جبهه رفته‌اید؟ می‌گفتند: برای ادای تکلیف، برای انجام وظیفه، برای اطاعت از امر امام، برای دفاع از کشور، برای حفظ نوامیس مردم، برای سربلندی کشور، برای حفظ انقلاب، برای عشق به خدا، برای روسفیدی پیش سیدالشهداء علیه‌السلام، مگر جز این بود؟ کدام شهیدی را سراغ دارید که برای غیر از این‌ها به جبهه رفته باشد و سرش را در طبق شهادت نهاده باشد؟ این یعنی غیرت، یعنی وفاداری، یعنی درک و شناخت موقعیت، یعنی تقیّد به شرع و عقل، یعنی مردم دوستی.

خانواده را رها کردند، شغل و مقام و موقعیت را پشت سر انداختند. چون جبهه و جهاد با دشمن را وظیفه و تکلیف اصلی و اوّل تشخیص دادند. چون دشمن را در صدد ضربه زدن به عزّت ملی و انقلاب اسلامی و هتک نوامیس مردم دیدند. آیا می‌شد ساکت نشست؟ می‌شد راحت خود داشت و چون حیوان زندگی کرد؟

غیرت دینی، تعصّب ملی، پابندی به شرع، وفاداری به آئین و مردم، همین را حکم می‌کند. هر وجدان بیدار و سالمی این اقدام را تأیید می‌کند.

حالا ما چه می‌کنیم؟ ما هم در برابر تهاجم دشمن به ایمان و عزّت و معنویت و استعدادها و وحدت‌مان، همین غیرت و پابندی را نشان می‌دهیم؟ در جنگ نرم، ما هوشیاریم یا نه؟ در صحنه‌ایم یا نه؟ حساسیت لازم را نشان می‌دهیم یا نه؟ واکنش منطقی و جدّی داریم یا نه؟ آیا فقط به فکر خودیم و گروه خود و منافع خود و راحت خود یا به فکر مردم و انقلاب و عزّت و دین؟ آیا سهل‌اندیش و توجیه‌گری و خود فریبی می‌کنیم؟ راستی ما جزو کدامین گروهیم؟



سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۲۷)

حمیت و پایبندی به احکام شرعی

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت

سیره ی شهدای دفاع مقدس

(۲۲)



مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

هویت و پایبندی به احکام شرعی

تدوین و گردآوری : مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۱	
شمارگان: ۵۰۰۰ جلد	
حروفچینی: ظریفیان	
چاپ: کیامرثی	
لیتوگرافی: نیما	
صحافی: کیامرثی	
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان	
ISBN 978-964-495-119-0	شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۱۹-۰
ISBN 978-964-495-095-7	شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۹۵-۷
WWW.ghadr110,ir	تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱
کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است	



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۷	پیش‌گفتار.....
۲۳	مقدمه.....
۲۷	نمی‌دانم صاحب باغ راضی است یا نه؟.....
۲۸	نمی‌توانم بدون شما نان بدهم.....
۳۰	دیدار امام در نجف اشرف.....
۳۱	پول آن چند دانه انگور را دادی؟.....
۳۳	چادر به جای کُت!.....
۳۸	نگاهشان نکن، چرا پاره می‌کنی؟.....
۴۰	وظیفه‌ی ما شرکت در جنگ است.....
۴۱	خلاف شرع به خاطر آموزش شما!.....
۴۳	پول ۲۰ سانت لوله!.....
۴۴	دَقّت در حلال و حرام.....
۴۵	سؤال حکم شرعی.....
۴۶	پول آرایشگاه.....

- ۴۷ گریسر نفس خود امیری، مردی!
- ۵۰ گوشمالی مزاحمان
- ۵۱ آگاهی، صبوری و مباحثه‌ی منطقی
- ۵۳ مواظب باش بچه‌ها کار خلاف شرع نکنند
- ۵۴ پای حرفش، تا آخر ایستاد
- ۵۵ او را تحت تأثیر قرار داد
- ۵۶ اعتراض
- ۵۷ خمس غنیمت!
- ۵۸ شیدای شریعت
- ۵۹ حلقه‌ی طلا!
- ۶۰ حساب کار باید روشن باشد
- ۶۲ پرداخت خمس، شرط رفت و آمد
- ۶۳ حسابرسی سال مالی
- ۶۵ بقیه‌اش حق شماست!
- ۶۷ به غذای زندان لب نمی‌زد و نان خشک می‌خورد!
- ۶۸ جوانمردی
- ۷۰ کجای اسلام داریم که اسیر را بزنید؟
- ۷۱ بنایی را متوقف کردم تا به روزه‌اشان لطمه نخورد
- ۷۳ پابرهنه!
- ۷۴ نگران سردی آب نباشدی!
- ۷۵ سیم بلندگو را قطع کرد تا ترانه پخش نشود
- ۸۱ خودش را به مریضی زد تا سرود نخواند!
- ۸۴ عکس الاغ به جای عکس شاه!
- ۸۶ رئیس آنها را زد تا بقیه حساب دستشان بیاید
- ۸۹ راهی که می‌روید باطل است

- ۹۲ سزای اهانت به امام
- ۹۴ رساله‌ی ناطق!
- ۹۵ همه‌ی زندگی بر اساس دستور دین
- ۹۶ تغییر نگاه به زندگی
- ۹۹ ما اهل کوفه نیستیم
- ۱۰۱ طاقت شنیدن بدگویی به امام و انقلاب را نداشت
- ۱۰۲ امروز تکلیف ما غیر از دیروز است
- ۱۰۳ مزاحم استراحت عشایر نشوید!
- ۱۰۴ اوّل اجازة از صاحب درخت
- ۱۰۵ تقلّب و لقمه‌ی حرام!
- ۱۰۶ واکنش نسبت به غیبت
- ۱۰۷ جدا کردن حساب سال
- ۱۰۸ بدون رعایت نوبت سکه گرفته‌ای؟
- ۱۰۹ اعلان بیعت با امام تا شهادت
- ۱۱۱ اسیر را نباید کُشت
- ۱۱۳ صحبت هایت را ادامه نده!
- ۱۱۴ زندگی هدفدار
- ۱۱۵ شرط آنها را قبول نکردم
- ۱۱۶ تنها و دست خالی!
- ۱۱۷ از درس واجب تر!
- ۱۱۸ از طرف من از او عذرخواهی کرد!
- ۱۱۹ گوشش را برید!
- ۱۲۱ اوّل اندرز دوم شدت!
- ۱۲۴ نکند امام موافق نباشد؟
- ۱۲۶ چرا با اخلاق اسلامی با مردم برخورد نمی‌کنی؟

- ۱۲۷..... حالا دیگر غمی ندارم، تأیید امام را گرفتم
- ۱۲۸..... امروز صیانت از اسلام واجب تر است
- ۱۳۰..... با غیبت، بارتان سنگین می شود
- ۱۳۱..... اگر ادامه بدهی بدخل آب پرت می کنم!
- ۱۳۴..... بازگشت برای پرداخت خمس!
- ۱۳۵..... چرا این کفشها را برداشته ای؟
- ۱۳۶..... ما به امام قول داده ایم
- ۱۳۸..... امام پیام داده اند، باید جزیره حفظ شود
- ۱۴۰..... بچه اش را ندیده به جبهه برگشت!
- ۱۴۱..... یخ ها را شکست و غسل کرد!
- ۱۴۲..... راه اندازی نمازخانه و اقامه ی نماز
- ۱۴۳..... سهم سادات
- ۱۴۴..... نباید به چنین مهمانی هایی برویم
- ۱۴۵..... به شما جنس نمی فروشیم!
- ۱۴۷..... نمازم را ترک نمی کنم
- ۱۴۹..... فقط برنامه ی اخبار تلویزیون
- ۱۵۰..... از صاحب خانه اجازه بگیر
- ۱۵۱..... درست نیست از سهمیه ی دیگران استفاده کنیم
- ۱۵۲..... باید با اجازه اش باشد
- ۱۵۳..... یخ را شکستم تا غسل کنم!
- ۱۵۵..... زن حق ندارد پانسمان مرا عوض کند!
- ۱۵۶..... حساسیت و دقت در فرایض دینی
- ۱۵۷..... بخاطر مسایل شرعی، مغازه را رها کرد!
- ۱۵۸..... ارزش مبارزه با ظلم و ستم
- ۱۶۰..... آیا او راضی است؟

- تهیه‌ی آب وضو از یخ‌ها! ۱۶۱
- دست از عقایدم بر نمی‌دارم ۱۶۲
- اگر عمری ماند بعد از جنگ، درس می‌خوانم ۱۶۵
- نان شهید را می‌خوری و به شهدا توهین می‌کنی؟ ۱۶۶
- آیا لحظات حسّاس دوباره تکرار می‌شوند؟ ۱۶۷
- نمی‌توانست محیط دانشگاه را تحمل کند؟ ۱۶۹
- تا روسری سرتان نکنید اذان نمی‌گوییم! ۱۷۱
- من به سن تکلیف رسیده‌ام یا نه؟ ۱۷۲
- به خاطر اسلام، از همه چیز باید گذشت ۱۷۴
- زیادی به من پول داده‌اید! ۱۷۵
- بخاطر معلّم بی‌حجاب، در آن کلاس حاضر نمی‌شدم! ۱۷۶
- من نمی‌خواهم خلاف شرع کنم ۱۷۷
- نان باید حلال باشد ۱۷۸
- هیچ وقت سر خود را بلند نمی‌کرد ۱۷۹
- سه تا کشتی‌گیر آمریکایی را زدم! ۱۸۰
- به خاطر این سود، چند روز روزه نگرفته‌ای؟ ۱۸۲
- غسل در حوض یخ بسته! ۱۸۴
- آیا پول روغن‌ها را داده‌اید؟ ۱۸۵
- امروز باید قضا کنم، تضمینی برای فردا نیست ۱۸۶
- مجوّز شرعی اقدام تو چه بود؟ ۱۸۷
- حسّاسیت در برابر خلاف شرع ۱۸۸
- تهیه‌ی گوشت ذبح شرعی ۱۸۹
- می‌خواستند خرابم کنند! ۱۹۰
- ترجیح می‌دهم اینطوری معامله نشوم! ۱۹۱
- از نظر اسلام، درست نیست ۱۹۳

- ۱۹۴ حجاب همراه با مقنعه باشد
- ۱۹۵ با آنها که حساب مالی نداشتند رفت و آمد نمی‌کرد
- ۱۹۶ حرام است، گناه دارد
- ۱۹۷ زن‌ها چرا توی خیابان می‌نشینند؟
- ۱۹۸ به خاطر کارمندان بی‌حجاب، پیشنهاد را قبول نکرد!
- ۱۹۹ جریمه برای تأخیر در خواندن نماز!
- ۲۰۰ مسلمان باید نامش، نام پیامبر و ائمه باشد
- ۲۰۱ با اسرا طبق دستور دین باید رفتار کنیم
- ۲۰۲ رعایت همسایگان
- ۲۰۳ آیا اجازه گرفته‌ای؟
- ۲۰۴ شاید صاحب باغ راضی نباشد
- ۲۰۵ اعتصاب غذا برای رفتن به خط!
- ۲۰۶ بدون پوشاندن صورت، حد را جاری کرد!
- ۲۰۷ حساب سال مرا مشخص کنید!
- ۲۰۸ اول خمس و زکات بعد ازدواج من!
- ۲۰۹ صاحب پول را پیدا کن!
- ۲۱۰ در این راه جانم را هم فدا می‌کنم
- ۲۱۱ چرا اضافه گرفتی؟
- ۲۱۲ به غذای غیر سهمیه و شبه‌ناک، لب نمی‌زد
- ۲۱۳ برای نشنیدن صدای ترانه، راهش را دور می‌کرد!
- ۲۱۴ حضور من در اینجا واجب‌تر است
- ۲۱۵ برو مداد را سر جایش بگذار!
- ۲۱۶ از دروغ متنفر بود
- ۲۱۷ حفظ موقعیت یا امر به معروف!
- ۲۱۸ ناراحت‌م که در میان مردها بایستی!

- ۲۱۹ کاری نداشته باش که عراقیه یا ایرانی!
- ۲۲۰ معلم ناچار شد از کلاس خارج شود!
- ۲۲۱ هنوز نوبت ما نشده است!
- ۲۲۲ واقف به مسائل
- ۲۲۳ نوار را خاموش کن!
- ۲۲۴ لقمه حلال باشد اگرچه نان خالی باشد
- ۲۲۵ یادداشت جاهای مشکوک از نظر پرداخت خمس
- ۲۲۶ رعایت ضوابط شرعی در مراسم ازدواج
- ۲۲۷ حساب سال مرا مشخص کنید
- ۲۲۸ تکلیف ما را عمل دیگران مشخص نمی‌کند
- ۲۳۰ نمی‌خواهم کار حرام انجام دهم
- ۲۳۱ می‌دانید کدام گونی‌ها مال ماست؟
- ۲۳۲ رشوه را ضمیمه‌ی پرونده کرد
- ۲۳۳ موضع منفی در برابر فرهنگ غرب و پایبندی به ارزشها
- ۲۳۷ خوردنش اشکال دارد
- ۲۳۸ من نمی‌توانم در این فضا بنشینم!
- ۲۴۲ ما نمی‌گذاریم!
- ۲۴۴ راه ارشاد صحیح را باید یاد گرفت
- ۲۴۶ چرا قیامت خودت را خراب می‌کنی؟
- ۲۴۹ باید از کسی که غیبتش را کردی حلالیت بطلبی
- ۲۵۱ پیش من، پشت سر کسی حرف نزنید
- ۲۵۲ در گوش او چیزی گفت و راننده نوار را خاموش کرد!
- ۲۵۴ خوب نیست مزاحم ناموس مردمی شوی!
- ۲۵۵ باید از کار زشت جلوگیری کرد
- ۲۵۶ توصیه و تقیّد به رعایت شئون اسلامی و حجاب

- ۲۵۷برازنده نیست آمار غلط بدهید.
- ۲۵۹مبارزه با افراد شرور.....
- تا حجاب مهماندار مناسب نشود مسؤولیت امنیت رئیس جمهور را قبول نمی‌کنم!
- ۲۶۰
- ۲۶۱راهش را دور می‌کرد تا تخلف نکند!
- ۲۶۲اخلاق اسلامی را رعایت کنید.....
- ۲۶۳پول ۴ عدد بلوک!
- ۲۶۵احتیاط شرط است!
- ۲۶۶مقنعه و مانتو کافی نیست.....
- ۲۶۷اشاره می‌کرد از او کمی فاصله بگیرم.....
- ۲۶۸ترک مجلس غیبت.....
- ۲۶۹من از این هندوانه نمی‌خورم.....
- ۲۷۱اینها حساب خمس است!
- ۲۷۳این پولها مال شماست!
- ۲۷۵بدون شرط بندی بازی می‌کنیم.....
- ۲۷۷اوّل اعتقادات، بعد ورزش حرفه‌ای!
- ۲۷۹قیافه‌اش را عوض کرد تا از شرّ دختر آزاد شود!
- ۲۸۱چفیه‌اش را به چهره‌ی مظنون بست!
- ۲۸۳برای چی زدی تو صورت اسیر؟!.....
- ۲۸۵خمس اموالش را حساب می‌کرد!
- ۲۸۶این غذا، جزو جیره‌ی ما نبود.....
- ۲۸۷ما اهل تقلّب نیستیم.....
- ۲۸۸آرام غذا را بردار!
- ۲۸۹کاری که با حرام شروع شود عاقبت ندارد.....
- ۲۹۰در مقابل جسارت به نوامیس مردم، غیرت داشت.....

- ۲۹۱ چایی را بدون قند می خورد!
- ۲۹۲ با صلوات، جلوی غیبت را می گرفت.
- ۲۹۳ مراقب بود یوتین دیگران را ننوشد!
- ۲۹۴ وظیفه داریم خاکش کنیم.
- ۲۹۵ برادرم هستی باش، ولی من نمی توانم برایت جبهه درست کنم.
- ۲۹۷ اعتراض به پخش موسیقی.
- ۳۰۰ تهیه ی گوشت با ذبح اسلامی.
- ۳۰۲ آیا مرا می شناسی؟
- ۳۰۳ نامه ی شیطان!
- ۳۰۴ با اسرا خوب رفتار کنید.
- ۳۰۵ او اسیر اسلام است نه اسیر شما.
- ۳۰۶ اورکت خود را به اسیر عراقی داد!
- ۳۰۸ مثل امام علی با اسیران برخورد می کنیم.
- ۳۰۹ به من ربط دارد اینجا چه کار می کنی!
- ۳۱۱ بگذار حسابمان را با خدا تسویه کنیم.
- ۳۱۲ ۳ ساعت اضافه در برابر سه ساعت مرخصی!
- ۳۱۳ بخاطر مصلحت، حق را پایمال نمی کرد.
- ۳۱۴ آدم بی غیرت هم از آن نمی گذرد.
- ۳۱۵ رعایت حجاب، عمل به دستور خداست.
- ۳۱۷ به غیبت گوش نمی داد یا محل را ترک می کرد.
- ۳۱۸ دستهای حنا بسته!
- ۳۱۹ غسل واجب می شود یا نه؟
- ۳۲۰ می خواهم از دلش در بیاورم.
- ۳۲۱ هم چادری شد هم مسجدی!
- ۳۲۲ این زمین ها مال مردم است.

- ۳۲۳ به کشت و کار مردم دست نمی‌زد
- ۳۲۴ جلوی همان‌ها از او عذرخواهی می‌کرد!
- ۳۲۵ دیگر نمی‌روم هنرستان!
- ۳۲۶ حق ندارید توی خانه‌ی مردم بروید!
- ۳۲۷ باید یاد بگیری با اسیر چطور حرف بزنی
- ۳۲۸ روزه‌ی احتیاط
- ۳۲۹ برای تلف شدن چند دقیقه از عمرشان، چه پاسخی دارید؟
- ۳۳۱ معلّم‌های ما حجاب درستی ندارند
- ۳۳۲ حلالمان کنید
- ۳۳۵ مراسم عروسی را گذاشت و رفت به جبهه!
- ۳۳۷ به خرماها دست نمی‌زدند
- ۳۳۹ مجوّز استفاده از غذای سپاه
- ۳۴۰ کتابهای مبتذل را آتش زدند
- ۳۴۱ برخورد با مفسدین و اشرار
- ۳۴۳ برای انجام مراسم سینه‌زنی، از پادگان فرار کردند
- ۳۴۴ زندگی جمعی اینها، شرعی نیست
- ۳۴۶ مدّتی بود که گوشت نخورده بودم!
- ۳۴۷ دقّت در مسائل مالی
- ۳۴۸ تاب اهانت‌های او را به مقدّسات نیاورد
- ۳۵۰ این خانم باید از این مدرسه برود!
- ۳۵۱ زیر آتش شدید گفت: همین الآن برو و حلالیت بطلب!
- ۳۵۳ حق نداشتید به میوه‌ها دست بزنید!
- ۳۵۴ به خاطر مجروح عراقی، اجازه‌ی شلیک نداد!
- ۳۵۵ مرز اسلام و کفر
- ۳۵۶ از کوچ‌هی دیگر می‌رفت!

- ۳۵۷ ایرانی غیرت دارد.
- ۳۶۰ تنها و همراه با بی‌سیم‌چی در شرایط بسیار سخت مقاومت کرد.
- ۳۶۳ آنها نامحرمند.
- ۳۶۴ من اگر از تشنگی بمیرم، از این هندوانه نمی‌خورم!
- ۳۶۵ این را از من نخواه.
- ۳۶۷ پیام او مؤثر بود.
- ۳۶۸ اصلاً به صورت خواهران نگاه نمی‌کرد.
- ۳۶۹ قصد کرد تا پایان جنگ از مرخصی استفاده نکند.
- ۳۷۰ شرعاً مکلف به اطاعت از او هستیم!
- ۳۷۱ این قالی را از کف سوله جمع کنید!
- ۳۷۲ سیلی محکمی به گوش بازجو زد!
- ۳۷۴ از اینجا برگشتن کار مرد نیست.
- ۳۷۵ از واقعیتهای اسلام و انقلاب، دفاع می‌کنم.
- ۳۷۷ چرا زودتر از من سلام کرد؟
- ۳۷۸ جلوگیری از حمل مجروحین توسط اسرای عراقی!
- ۳۸۱ پیسی نمی‌خورد چون تحریم شده بود!
- ۳۸۲ نخ، مرز بی‌بندوباری و تقیّد!
- ۳۸۴ رفتم تا پول خسارت فلاسک شکسته را بپردازم!
- ۳۸۶ دیده‌ی دندان!
- ۳۸۸ وظیفه‌ی همه، حساب خمس مال است.
- ۳۸۹ خوب شد بدون تحقیق تصمیم نگرفتم.
- ۳۹۰ این زمین ملک شخصی است، اینجا نماز نمی‌خوانم!
- ۳۹۲ کجای اسلام داریم که اسیر را بزنید؟
- ۳۹۳ کی اجازه داده ظرفهای مردم را بردارید؟
- ۳۹۵ اجازه نداد از خانه‌های ترک شده‌ی مردم غذا برداریم!

- از غیبت دیگران ناراحت بود!..... ۳۹۶
- مؤمن هیچ‌گاه خیانت نمی‌کند..... ۳۹۷
- یا من یا نوار!..... ۳۹۸
- آگهی برای پیدا کردن صاحب پول..... ۳۹۹
- غذای سپاه را نمی‌خورد چون تمام وقت برای سپاه کار نمی‌کرد..... ۴۰۰
- تذکر اثرگذار..... ۴۰۱
- دنبال صاحب پول گشت تا او را پیدا کرد!..... ۴۰۳
- می‌ترسم چشمم به نامحرم بیفتد..... ۴۰۴
- این خانم همسر شماست؟..... ۴۰۵
- قوپی روغن را تا شش ماه نگهدارید تا صاحبش پیدا شود!..... ۴۰۶
- آلمانی‌ها را ادب کردند..... ۴۰۷
- یک انار کال و حلالیت طلبیدن!..... ۴۰۸
- با شنیدن کلمه‌ی تکلیف، پذیرفت..... ۴۰۹
- شطرنج را فراموش کن..... ۴۱۱
- از ماشین برو پایین!..... ۴۱۲
- میوه‌ی درختهای حریم همسایه، مال آنهاست..... ۴۱۳
- من نمی‌توانم ساکت بنشینم!..... ۴۱۵
- منابع..... ۴۱۷



پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَفَّةٍ وَسِدَادٍ.**

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی‌مرا‌یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه‌۴۵)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا گذاشتن بر روی کفش طلبان در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس،

از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوهٌ حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مربیان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان - به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی - کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و

منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

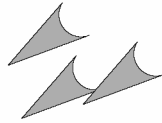
از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف چینی، ویرایش، تهیه فهرست
موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.
سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود
فریضه دانسته و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند.
و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه
خوردند، درّ از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع
فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند.
و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان.
امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و شهدای
عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان
بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در
این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدرولایت





مقدمه

وفاداری به یک آئین و نظام، نشانه می‌خواهد. غیرت یعنی واکنش نشان دادن در برابر تعرض به آئین و نظام، یعنی در برابر تهاجم، ساکت و بی‌تفاوت بودن، این نشانه‌ی وفاداری است. تقید هم یعنی خود، به آن آئین و نظام عمل کردن و پایبند بودن. غیرت بدون تقید کامل و درست نیست و همین‌طور تقید بدون غیرت کافی نیست. حالا اگر این آئین و نظام الهی و آسمانی باشد، غیرت در برابر تعرض به آن و تقید نسبت به ضوابط آن، والاتر و پسندیده‌تر است. چرا که دین یک حقیقت قدسی است و غیرت نسبت به آموزه‌ها و احکام آن، زیباتر و بالاتر و دفاع از جان بشریت است. اگر رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، هیچ نشانی از غیرت و تقید نداشتند الا حضور در جبهه و فداکاری و ایثار جان در دفاع از دین و ملت، کافی بود؛ اما آنان غیورتر از آن بودند که به آن بسنده کنند. در جبهه و

پشت جبهه، در محیط کار و درس، در دوره‌ی ستم‌شاهی و دوران انقلاب اسلامی، هر جا تعرضی به آئین اسلام می‌دیدند، گویا به ناموسشان تعرض شده باشند، به جوش و خروش می‌آمدند و به دفاع برمی‌خواستند و خود در صحنه‌های انتخاب بین نفس و دین، همواره مقید بودند به ضوابط شرع و عمل بر طبق خواست و پسند خداوند متعال.

رژیم ستم‌شاهی و روشنفکران غرب‌زده به تبع سیاستهای استعماری مستکبران، خیلی تلاش کردند که با بد جلوه دادن غیرت دینی و نام «تعصّب» بر آن نهادن و بدمنظره کردن تعصّب، جوانان و متدینین را از دفاع در برابر تهاجمات و تعرضات به باورهای دینی باز دارند. چنان کرده بودند که متعصّب شده بود آدم بدون منطق، عقب‌مانده، اُمُل و دور از تمدن، در حالی که این مفهوم تعصّب نیست. در حالی که هم سردمداران رژیم ستم‌شاهی، هم روشنفکران غرب‌زده و هم رژیمهای باصطلاح لیبرال غربی، سخت‌ترین واکنشها را نسبت به هر نوع تعرضی نسبت به باورهایشان نشان می‌دادند. جنگ روسری در غرب یادتان هست؟ محروم کردن دختران محجبه از تحصیل در کشورهای مدعی تمدن، یادتان هست؟ دفاع از عنصر خود فروخته و پستی چون سلمان رشدی در قبال اهانت به مقدّسات اسلام تحت عنوان آزادی یادتان هست؟

اگر پایبندی به باورها نباشد، تنها غرب از این حالت سود می‌برد، آن هم برای استیلا و استعمار کشورهای مسلمان. اگر ایستادگی در برابر تهاجمات و دفاع از ارزشها نباشد، تنها شیطانها برای آلوده کردن

و به فساد کشیدن نسلهای کشورهای اسلامی از آن سود می‌برند. این انگها و زشتیها سزاوار همان ظلمه و حَمَلَه‌ی نفاق جهانی است که پشت پرده‌ی رنگ کرده‌ی دموکراسی و لیبرالیسم؛ زشت‌ترین، خشن‌ترین و بی‌منطق‌ترین ترورها، جنگها، اهانت‌ها و فسادها را انجام می‌دهند.

تعصّب و غیرت دینی، هم آگاهانه، هم مسؤولانه و هم پیشروانه است. نشانه‌اش است هم این است که بهترین انسانها، آگاهترین و مقیدترین افراد، بیشترین غیرت را نسبت به دین و احکام اسلامی داشته‌اند. در عصر ما، امام خمینی قدس سره، غیرتمندترین بود. او سکوت و سازش را در برابر این تعرّضات ولو به قیمت جان و آبرو، نمی‌پذیرفت. یادمان هست در برابر فشارها، تعرّضات و توقّعات رژیمن شاه چگونه سینه را آماده‌ی سرنیزه‌ها و گلوله‌ها کرد ولی سازش را نپذیرفت؟ یادمان هست در برابر منافقین و تعرّض فکری لیبرالها مثل نهضت آزادی چگونه ایستاد؟ یادمان هست در برابر قانون‌شکنی و باندبازی و برتر دانستن فامیل بر مصالح ملت مانند جریان منتظری، چگونه برخورد کرد؟ یادمان هست که در برابر تعرّض صدام و استکبار جهانی، چه سان مردانه در میدان آمد و همه را بسیج کرد؟ یادمان هست که در برابر اسرائیل غاصب چگونه دفاع از فلسطینی‌ها را یک تکلیف دانست و دنیا را متوجه آلام مردم فلسطین کرد؟ یادمان هست در برابر تعرّض نویسنده‌ی خودفروخته و تحریک شده‌ی توسط غریبها یعنی سلمان رشدی چطور خروشید و حکم اعدام او را صادر کرد؟ اینها نمونه‌های بارز این غیرتند. غیرتی که اینک در رهبر معظم انقلاب

اسلامی نسبت به نظام سلطه‌گر و متعرض غرب بویژه آمریکا و صهیونیسم و فریب خورده‌های بدبخت داخلی آنها مشاهده می‌کنیم. رزمندگان، صحنه‌های بسیار زیبا و در عین حال درس‌آموزی از غیرت دینی و تقیّد به ضوابط شرعی را به نمایش گذاشته‌اند. در مرور این خاطره‌ها، سعی می‌کنیم تا به زیباییها و بزرگی رزمندگان بیشتر اعتقاد پیدا کنیم و راه آنان را در همین خصوصیات جستجو کنیم و ان‌شاءالله ادامه دهیم.

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت